

به تخت نشستن داریوش بزرگ و اردشیر اول و نقش آنها در توسعه عمرانی تخت جمشید

امیر حسین سلطانی

دانشجوی دکتری رشته باستان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهمن فیروزمندی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسول)

Dr.Firouzmandi@gmail.com

رضا شعبانی صمغ آبادی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

هابده خمسه

استاد یار و عضو هیئت علمی گروه باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، اهر، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱

چکیده:

تخت جمشید از جمله بناهای تاریخی بسیار ارزشمند در ایران و جهان است که به خاطر جایگاه سیاسی، فرمانروایی، موقعیت جغرافیایی، معماری ساخت و نقش آن در تحولات تاریخ باستان ایران بسیار حائز اهمیت می باشد که توسط داریوش ساخت آن شروع شد و در دوران اردشیر اول ادامه پیدا کرد. از این رو مقاله حاضر که در صدد بررسی به تخت نشستن داریوش بزرگ و اردشیر اول و نقش آنها در توسعه عمرانی تخت جمشید است پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، به بررسی نقش داریوش بزرگ و اردشیر اول در توسعه عمرانی تخت جمشید خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می باشد. یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که سرزمین ایران از دیرباز خاستگاه تمدن های بزرگ و کهن بوده است که پادشاهی هخامنشی ها یکی از آنها محسوب می شود که از تمدن های میان رودان، مصر، یونان و روم آگاهی داشته و بطبع از این تمدن‌ها الهام گرفته و بر آنها نیز تأثیر گذاشته‌اند، این موضوع در شکل گیری و ساخت تخت جمشید تأثیر گذاشته است، ثانیاً؛ بسیاری ساخت تخت جمشید را از زمان داریوش کبیر می دانند که توسط پادشاهان بعد مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت و در زمان اردشیر یکم نیز بر عمران و آبادانی آن افزوده شد.

کلیدواژه ها: ایران، سلسله هخامنشی، داریوش بزرگ، اردشیر اول

حکومت هخامنشیان که از ۵۵۰ ق.م تا ۳۳۰ ق.م به درازا کشید در اوج شکوه و عظمت و قدرت بر قسمتی از دنیای متمدن آن روز از سیحون تا دریای اژه و از هند تا آفریقای متمدن فرمانروایی نمودند. آنان تمدنی را بنیان نهادند که به پیشرفت های چشمگیری در امور هنری ترویج علم و دانش، احداث کاخ های عظیم، ایجاد راههای شوسه، ضرب مسکوکات، توسعه امور کشاورزی و بازرگانی، تشکیلات منظم مملکت داری، بنیه قوی و نظامی دفاعی، نیروی بزرگ دریایی و نظام خاص روابط با دول خارجی که به بسط و توسعه نفوذ قدرت آنان در دنیای متمدن آن روز انجامید، نایل شدند (رضایان، ۱۳۸۶؛ ص ۳۳) یکی از دستاوردهای تاریخی هخامنشیان ساخت تخت جمشید است که پیشینه‌ی آن به ۲۵۰۰ سال پیش می‌رسد. این کاخ در زمان سلسله‌ی هخامنشیان ساخته شده است که از سال ۳۳۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد بر ایران فرمانروایی می‌کردند از جمله این پادشاهان که یکی بنیانگذار تخت جمشید و دیگری در عمران و ایادانی آن کوشیدند داریوش و اردشیر اول است. لذا آنچه بر ضرورت و اهمیت این مقاله می‌افزاید این است که با توجه به جایگاه تخت جمشید در عهد هخامنش و نقش پادشاهان هخامنشی در این کاخ به عنوان یکی از مراکز تاریخی تصمیم‌سازی ایران و همچنین با توجه به عدم انجام پژوهش‌های مشابه در کشور این پژوهش لازم و ضروری است.

پیشینه تحقیق

تاریخ امپراتوری هخامنشیان: کتاب تاریخ امپراتوری هخامنشیان نوشته پیر بریان در دو جلد دارای اطلاعات ارزشمندی از این دوره است. و نویسنده سعی داشته از روایت های گوناگون در هر زمینه بهره لازم را ببرد و آنگاه به تفسیرها و تجزیه و تحلیل های خود متکی است از لابه لای این کتاب می‌توان به سیاست های داریوش و اردشیر در عمران و ساخت تخت جمشید پی برد. ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی: کتاب ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی از جمله

کتابهایی است که به تفضیل به دوران فترت در تاریخ هخامنشیان و به سلطنت رسیدن داریوش و جنگلهای او با مدعیان پرداخته است که از این منبع در بحث موضوعات مربوط به دوره داریوش و اردشیر مورد بهره برداری قرار گیرد. مجموعه کتابهای تاریخ هخامنشیان: شامل ۹ جلد که حاصل تلاش بسیار دانشمندان بزرگی همچون هلت سانیسی و آملی کورت و دیگران می باشد که در این ۹ جلد پرارزش به تلاش علمی و در واقع غیر مغرضانه پرداخته شده است. از این کتاب ها می تواند در خصوص معماری، فرهنگ، تمدن، ساخت ساز و نقش پادشاهان در این حوزه فرهنگی بهره جست. تمدن هخامنشی: نوشته های علمی سامی با توجه به این حقیقت که خود وی در کاوشهای باستان شناسی آثار به جا مانده از هخامنشیان سهم و نقش داشته ارزنده و قابل توجه است. نوشته های او به ویژه در مورد آثار به جا مانده از هخامنشیان مستند و قابل استفاده است. تاریخ ایران باستان نوشته حسن پیرنیا، به بررسی یکی از ادوار با شکوه و پر افتخار جهان باستان دوران هخامنشی می پردازد وی معتقد است که در آثار باقی مانده از این دوره، دنیایی از ذوق و هنر دیده می شود. از این کتاب می توان در فلسفه شکل گیری تخت جمشید بهره برد. رویدادهای سیاسی و مذهبی دوره اردشیر دوم هخامنشی و تاثیر آن بر تحولات اجتماعی ایران نوشته مریم جمال باشی کوشش می شود تا ضمن ارائه ی تصویری از شرایط سیاسی اجتماعی مذهبی حاکم بر دوران حکومت هخامنشیان تا قبل از دوران اردشیر دوم، شرایط سیاسی اجتماعی مذهبی دوران اردشیر دوم به شکل دقیق تر ترسیم شده و تاثیر آن بر شرایط کلی حاکم بر آن بررسی گردد از این پایان نامه میتوان در حوزه اقدامات داریوش و اردشیر اول استفاده کرد

تحلیل پیشینه ها و نوآوری مقاله

با بررسی سیر تاریخی سلسله هخامنشیان و خاصه نقش آنها در تحولات سیاسی و عمرانی ایران تاکنون در این زمینه تحقیق جامعی انجام نشده است به نظر می رسد این موضوع بدون انجام بررسی های دقیق برای عموم باستان شناسان و محققین از پیش پذیرفته شده است حال با توجه به عدم وجود پژوهش و مطالعات باستان شناسی در این زمینه حاصل و نتیجه این پژوهش و گسترش

دامنه‌ی تحقیقات بی‌تردید کمک شایانی به درک نقش دو پادشاه بزرگ هخامنشی یعنی داریوش و اردشیر در توسعه عمرانی تخت جمشید خواهد نمود.

به سلطنت رسیدن داریوش بزرگ

داریوش در کتیبه‌ی بیستون که به منزله‌ی سند رسمیت و مشروعیت یافتن حکومت اوست خود را چنین معرفی می‌کند: «من داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسب...» و آنگاه اسامی نیاکان خود را بر می‌شمارد تا به هخامنش می‌رسد (شارپ، ۱۳۴۳: ۲۵ - ۲۶). بنابراین داریوش از شاخه‌ی دیگری از خاندان هخامنشی بود. وی دختر کوروش، همسر کمبوجیه در عین حال خواهر کمبوجیه به نام آتوسا را به همسری گرفت (تاریخ هرودت؛ کتاب سوم، بند ۸۸) تا فرزندی که ولیعهد می‌شد، خون کوروش را در رگهای خود داشته باشد. چگونگی روی کار آمدن داریوش چنین بود که چون کار گئوماتا بالا گرفت و پس از مرگ اسرار آمیز کمبوجیه ولیعهدی وجود نداشت (همان؛ کتاب سوم، بند ۶۶)، داریوش که از خاندان هخامنش بود، تصمیم گرفت به این غائله خاتمه دهد. وی با شش تن دیگر از افراد خاندان شاهی و اشراف هم پیمان شد که گئوماتای غاصب را از میان بردارد و بنا بر داستانی افسانه گونه، آنگاه به طریق قرعه یکی از آن میان شاه شود. بدین ترتیب که وقتی به میعاد گاه رسیدند، اسب هر یک از آنان که زودتر شیهه کشد، او برنده باشد. اسب داریوش زودتر از دیگر اسبان شیهه کشید و او توفیق یافت (همان؛ کتاب سوم، بند ۸۸).

به نظر می‌رسد این افسانه در دوره‌های بعد پدید آمده است. تا مشروعیت داریوش را بیشتر به نمایش بگذارد و الوهیت مقام وی را همه جا پراکنده کند. به بیان دیگر، این افسانه به معنای آن است که به شاهی رسیدن داریوش خواست اهورا مزدا بوده و این نکته‌ای است که وی در کتیبه‌ی بیستون نیز بر آن تاکید کرده است. داریوش گئوماتا و چند تن از کارگزاران و اطرافیان وی را به قتل رسانید و زمام امور را در دست گرفت. او در کتیبه‌ی بیستون در این باره چنین می‌گوید: «آنگاه

من با چند مرد، آن گئومات مغ و آنهایی را که برترین مردان او بودند، کشتم... شاهی را از او ستاندم. به خواست اهورا مزدا من شاه شدم» (شارپ ۱۳۴۳: ۳۰ و ۳۱).

بدین ترتیب، به سال ۵۲۲ پ.م داریوش بر اریکه‌ی شاهنشاهی هخامنشی تکیه زد، اما مرگ ناگهانی کمبوجیه، مرگ اسرار آمیز بردیا، ماجرای گئوماتای غاصب و دگرگونی در امر وراثت تاج و تخت، موجب شورشهایی در سراسر مملکت شده بود. از سویی فرمانرواییهایی چون ماد و ایلام که حق حاکمیت را از آن خود می‌دانستند و نیز از سوی دیگر، ممالک متصرفی بیگانه چون بابل و مصر و لیدی که تحت تسلط پارس‌ها قرار گرفته بودند، موقعیت را برای کسب استقلال مجدد مغتنم شمردند. گذشته از آن، بعضی ساتراپها دست تعدی به سوی مردم دراز کرده و سبب عصبان مردم شده بودند و بدین ترتیب، داریوش در آغاز کار به گرفتاریهای فراوانی روبرو شد. او طی دو سال و نیم و نوزده جنگ پی در پی، سرانجام بار دیگر آرامش و وحدت را به مملکت باز گردانید. داریوش با خطا کاران و عصیانگران با خشونت بسیار رفتار کرد، تا یک بار برای همیشه آتش فتنه را فرو نشاند. او خود همهی ماجراها را با جزئیات و نیز لحنی قاطع، جدی و خشک، در کتیبه‌ی بیستونی باز گو کرده است (همانجا، ۳۳-۶۱). داریوش در همین دوره‌ی اولیه نیروی سپاهی و اداری خود را در فلسطین که منطقه‌ای سوق الجیشی در کنار دریای مدیترانه و بر سر راه مصر بود تقویت کرد. وی نیز مانند کوروش دستور داد که بنای معابد قوم یهود، زیر نظر فرستادگان ایرانی تکمیل شود و اسرای بازمانده در بین النهرین به سرزمین خود باز گردند (کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب عزرا، ص ۷۳۸).

نقش داریوش در توسعه عمرانی تخت جمشید

داریوش به وضع قوانین جدید، ابداعات و اصلاحات همه جانبه پرداخت. وی با حفظ پایتخت‌های گذشته، شوش را نیز که قدمتی چند هزار ساله داشت به پایتختی برگزید. داریوش برای تحکیم قدرت خود در مرکز ایلام و برای تجسم بخشیدن به عظمت و قدرت موجود به گونه‌ی نمادین،

دستور داد تا کاخی با شکوه و بزرگ در شوش بسازند. در ساخت کاخ شوش همی ملل تابعه شرکت داشتند تا بدین وسیله بنمایاند که در چه دایره‌ی وسیعی ملل و اقوام گوناگون تحت تابعیت شاهنشاهی هخامنشی قرار دارند (شارپ ۱۳۴۳: ۹۱-۹۴). سپس کاخ دیگری در پارس، در شهر پارسه (تخت جمشید امروزی) بنا کرد که نه تنها در جهان آن روز نمایانگر شکوه و جلال، عظمت و فرهنگ و تمدن هخامنشی شد، بلکه امروزه نیز از شگفتیهای عهد باستان به شمار می‌رود. داریوش قوانین جدیدی را ابداع و ایجاد کرد و از آنجا که خود را نماینده‌ی اهورامزدا و برگزیده‌ی وی در زمین می‌دانست، پس فرامین او واجب‌الاجرا بودند و می‌بایست چون حکمی آسمانی تلقی شوند. وی اساس کار خود را بر سه اصل «قانونمندی، عدالت، و امنیت» قرار داد و برای اجرای آنها یک سازمان اداری متمرکز ایجاد کرد و کوشید تا با نظارت مستقیم بر کار، بخصوص بر کار ساتراپیها، امنیت و عدالت در سراسر قلمرو را تامین کند (تاریخ هرودت؛ کتاب سوم، بند ۸۹). این اقدامات زمینه لازم در جهت توسعه عمرانی تخت جمشید را از سوی داریوش فراهم نمود. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد این محل در زمان کورش و و کمبوجیه نیز یک مرکز حکومتی بوده ولی از آن دوران بنایی موجود نیست و بناهای تخت جمشید همگی از زمان داریوش به بعد ساخته شده اند. بنابراین داریوش بزرگ در پایتخت و زمستان ۵۱۸ - ۵۱۹ قبل از میلاد نقشه ساخت ابنیه‌های شگفت‌انگیز شهر پارسه (تخت جمشید یا پرسپولیس) را طراحی کرد و با الهام گرفتن از اهرام مصر و دیگر هنرهای آسیایی که همگی زیر مجموعه‌ای از ایران بودند نقشه آن را با کمک چندین تن از معماران مصری بروی کاغد آورد و یادگاری خارق‌العاده در جهان به نام کاخهای پارسه به جای گذاشت. ساخت این کاخ سترگ ۶۵ سال به طول انجامید و وی با این اندیشه که ایران با تمدنی کهن و شاهنشاهی قدرتمندی همچون ایران که مناطق زیادی از آسیا را به زیر پرچم ایران در آورده است شایسته یک مرکز قدرتمند با طراحی فوق‌العاده است که تا هزاران سال برای آیندگان بماند و آنان درس عبرت بگیرند و راه نیاکان خود را ادامه دهند. (مظفری، ۱۳۹۴: ۳-۹)

داریوش در کتیبه خود در دیواره جنوبی صفا صراحتاً بیان می‌کند که تا پیش از این، هیچ بنا یا معبد یا نیایشگاه و ساختمانی در این محل وجود نداشته است. پس بی‌تردید زمین این مکان اهمیت

داشته است. محوطه تخت جمشید از نقش رستم که مکانی متبرک بوده و همچنین با مرکز استقرار قوم پاسارگاد که از سوی کوروش به عنوان پایتخت انتخاب می‌شود و آرامگاه او نیز در همان جا واقع است، فاصله بسیار کمی دارد. (فخاری، ۱۳۹۷: ۲-۵) لذا با شکل‌گیری ساختار اولیه تخت جمشید از سوی داریوش اقدامات زیر را در عمران این بنا اتخاذ نمود.

الف- در ابتدای عملیات ساختمانی صفا ای به ابعاد ۴۵۰*۳۰۰ متر توسط مردان داریوش مسطح گشت. آنطور که خود او وصف کرده مکانهای مرتفع بریده شده و مکانهای تو رفته با سنگریزه پر شدند تا همگی یکدست و مسطح شوند. اولین بنایی که ساخته شد خزانه شاهی در جنوب شرقی صفا بود. در این بنا غنایمی که از سرزمینهای زیر سلطه هخامنشیان گرفته شده بود و همچنین هدایایی که شاهان باوفای آن سرزمینها مخصوصا در مراسم نوروز اهدا می کردند نگه داری می شد. خزانه اولیه کوچکتر از آن بنایی است که امروزه موجود است و طی گذشت سالها وسعت آن افزوده گشت. بر طبق لوحهای سفالی به جای مانده از آن زمان دست کم ۱۳۴۸ نفر در سال ۴۶۷ پیش از میلاد در خزانه کار می کردند. (امیر خراسانی، ۱۳۹۸: ۲-۵)

ب- شکیل صندوق پس انداز در مورد متخصصین و کارگران بخصوص نسبت به آنان که در ساختمان کاخ معروف پرسپولیس (تخت جمشید) در نزدیکی شهر شیراز فعلی در استان فارس که داریوش به شرح قسمت اول همین مرقومه در سال اول سلطنت خود شروع کرد.

ج- رعایت تمام محاسبات نجومی در ساختمان پرسپولیس که داریوش از اطلاعات خود در زمان فرمانروایی خود در مصر و بر اساس محاسبات رعایت شده در ساختمان هرم معروف بنام (فوکو) مورد نظر بوده اقتداء نموده است.

چ- در همین زمان کاخ آپادانا نیز ساخته شد. این کاخ را می توان قلب تخت جمشید دانست. پلکان معروف شرقی آن یکی از شاهکارهای جهان می باشد که در آن صف هدیه آورندگان در صمیمیت به نمایش گذاشته شده است. در قسمت مرکزی کاخ هزاران نفر در یک زمان جای می گرفتند. ۷۲ ستون سقف بنا را در ۲۵ متری از کف بنا نگه می داشتند.

ه- معابری نیز برای عبور آب و فاضلاب در سنگها تعبیه شده است که هم اکنون نیز آثار آن کاملاً مشخص است. (امیر خراسانی: ۱۳۹۸: ۲-۵)

د- نکته مهم این ساختمانها بزرگ رعایت حقوق انسانی کارگران و معماران است که داریوش شاه تمام مزایا و حقوق روزانه آنان را بر کتیبه ها نوشته است.

ذ- داریوش بزرگ در هر سال برای ساخت کاخ به کارگران بیش از نیم میلیون طلا مزد می داده است که به گفته مورخان گران ترین کاخ دنیا محسوب می شده. این در حالی است که در همان زمان در مصر کارگران به بیگاری مشغول بوده اند بدون پرداخت مزد که با شلاق همراه بوده است. داریوش بزرگ برای ساخت کاخ پرسپولیس که نمایشگاه هنر آسیا بوده ۲۵ هزار کارگر به صورت ۱۰ ساعت در تابستان و ۸ ساعت در زمستان به کار گماشته بود و به هر استادکار هر ۵ روز یکبار یک سکه طلا (داریک) می داده و به هر خانواده از کارگران به غیر از مزد آنها روزانه ۲۵۰ گرم گوشت همراه با روغن، کره، عسل و پنیر میداده است و هر ۱۰ روز یکبار استراحت داشتند. (مظفری، ۱۳۹۴: ۳-۹)

ر- داریوش از طریق ایجاد کاخ آپادانا در توسعه تخت جمشید نقش داشته است این کاخ که داریوش نخست آن را در بخش جنوبی تخت جمشید بنا نهاد. این کاخ قچر هدیش نام دارد. تزیینات نمای سکوی کاخ، نقش ارتش امپراطوری پارس با لباس های با شکوه را نشان می دهد که در گوشه و کنار آن ردیفی از افراد نیز دیده می شود که آذوقه و حیوانات زنده را حمل می کنند و بر روی دیواره پلکان های متقارن کاخ حک شده اند. (کخ، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۳) گیرشمن می گوید: پس از تحقیقاتی که در کاخ آپادانا انجام دادیم توانستیم محل دیوارها و ایوان ستون دار شمالی مربوط به آپادانا را پیدا کنیم و به این طریق موفق شدیم طرح آن را بدست بیاوریم. این طرح به ما نشان می دهد که اصول معماری معمول در پاسارگاد در اینجا نیز رعایت شده بدین طریق که تالار مرکزی سه ایوان ستون دار دارد و در گوشه های شمالی و شرقی دو اتاق کوچک

به تخت نشستن داریوش بزرگ و اردشیر اول و نقش آنها در توسعه عمرانی تخت جمشید

مربع شکل واقع شده است سقف آپادانا روی شش ردیف که هر ردیف دارای شش ستون از سنگ بوده تکیه داشت این ستون ها را با مهارت فوق العاده ای بالا برده بودند ساقه ی ستون ها شیار دارد و پایه ی آن ها مربع و سر ستونشان مرکب از قسمت قدامی دو گاو نر است که در ارتفاع بیست متر از کف تالار قرار داده شده اند. در دوران های کهن هرگز تا آن تاریخ هنر نتوانسته بود چنین جرات و جسارتی از خود نشان دهد. (به نقل از جمال باشی، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

ن- داریوش از طریق ساخت کاخ سه درگاهی در توسعه تخت جمشید نقش داشته است کاخ اختصاصی داریوش نخستین بنا و اقامتگاه خصوصی شاهان هخامنشی است که در بخش جنوبی تخت جمشید ساخته شده است. زمان حکومت اردشیر بنای کوچکی در انتهای جنوبی حیاط وسیع جلوی پلکان شرقی آپادانا ساخته شد که به نظر می رسد محلی است برای ورود به قسمت کاخ های خصوصی که بعد از داریوش، خشایارشا و اردشیر نیز اقامتگاه خصوصی خود را در جنوب تخت جمشید ساخته بودند (ماهیت نقش برجسته ها کاربرد بناها را تا حدودی روشن می سازد لذا حدس قریب به یقین این است که تالار شورا محل ملاقات پادشاه با بزرگان مملکتی بوده است و در این کاخ با آنها به مشاوره می پرداخت و وجود نقش های بی شمار نجبای پارسی و مادی بر روی پلکان این کاخ این فرضیه را تقویت می کند. بررسی اقدامات داریوش که در فوق به آنها اشاره شد نشان می دهد تا چه اندازه این اقدامات در توسعه و عمران تخت جمشید موثر بوده اند لذا این اقدامات سرآغازی برای تکمیل و توسعه عمرانی این بنا از سوی پادشاه هان بعد داریوش شده است از جمله اردشیر اول.

اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴ پ.م)

توطئه قتل خشایارشا در درون حرمسرا، بر سر مسائل جانشینی و به وسیله شاهزادگان ترتیب یافته بود. هنگامی که از آن میان پسر سوم وی به نام اردشیر، زمام امور را در دست گرفت، چند تن از این شاهزادگان نیز به قتل رسیدند و با از میان برداشته شدن مدعیان حکومت و به تخت نشستن

اردشیر که تنها هجده سال داشت، اوضاع آرام گرفت (بریان، ۱۳۷۸: ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۷). به عبارت دیگر پی بر بریان می نویسد: «خشایارشا در سال ۴۶۵ ق. م به قتل رسید و بعد از وی پسرش اردشیر اول معروف به دراز دست به تخت سلطنت نشست قتل خشایارشا در سال ۴۶۵ ق. م سبب شورش استقلال خواهی مصر شد آتن به تحریک مصریان علیه ایران پرداخت اردشیر پس از حدود شش سال توانست شورش استقلال خواهی مصر را در سال ۴۵۴ ق. م فرونشاند» (جمال باشی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۲) ۱ اردشیر اول در تاریخ به «دراز دست» معروف است که برای این لقب معانی گوناگونی ذکر شده است، بعضی معتقدند دراز دستی و پیشدستی او نسبت به سایر شاهزادگان در به تخت نشستن یا توانایی او در امور موجب شده که این عنوان را به وی دهند. یا اینکه به گفته‌ی پلوتارک چون یکی از دستهایش از دست دیگرش بلندتر بوده، بدین لقب خوانده شده است (حیات مردان نامی؛ ج ۴، ص ۴۷۸، بند ۱). این موضوع بعید به نظر می‌رسد، زیرا پادشاهان نمی‌بایست نقض عضو داشته باشند و اگر می‌داشتند، این امر مخفی و پوشیده بوده است. او خود را به سادگی چنین معرفی کرده است: «من اردشیر، شاه بزرگ، شاه شاهان، پسر شاه خشایارشا، نوه داریوش، هخامنشی هستم.» (زرین کوب، ۱۳۶۸: ص ۲۱۹).

اردشیر در بدو حکومت با توطئه‌ها و شورشهای متعدد و پیچیده‌ای روبرو گردید، ابتدا ساتراپ باکتريا (بلخ) ویشتاسب، برادر ارشد اردشیر، حکومت وی را به رسمیت نشناخت و عصیان کرد. این اغتشاش طی دو جنگ فرو نشانده شد و ویشتاسب به قتل رسید (خدادادیان، ۱۳۷۶: ۹۰۸-۹۱۰). بدین ترتیب از برادران شاه کسی باقی نماند، در سال ۴۶۰ پ. م شورش جدیدی در مصر روی داد، یک شاهزاده‌ی لیبیایی به نام ایناروس، مصریها را که از هخامنش، ساتراپ ایرانی مصر

۱ - جمال باشی، مریم، (۱۳۹۴) رویدادهای سیاسی و مذهبی دوره اردشیر دوم هخامنشی و تاثیر

آن بر تحولات اجتماعی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد شاهرود، دانشکده

ناراضی بودند، گرد آورد و خود را فرعون خواند و از آتنیها نیز برای مقابله با ایرانیها کمک خواست. آتن که می‌خواست غله مصر و لیبی را در اختیار داشته باشد، چند فروند کشتی به کمک شورشیان فرستاد، اما به دنبال نبردهایی، سرانجام ایرانیها غالب آمدند و شکست سختی به آتنیها وارد شد و شورش فرو نشست (توکودیدس، ۱۳۷۷: ص ۷۳، بند ۱۰۴ و ۱۰۹). به دنبال ماجرای مصر و کمک آتنیها به آنان، بار دیگر مساله یونان مطرح شد. پس از شکست آتنیها، سیمون، یکی از فرماندهان معروف آتنی در جنگ‌های ایران و یونان، نبردها را در مدیترانه دنبال کرد و در فنیقیه شکست سختی به ایرانیها وارد آورد. فتح فنیقیه به وسیله سیمون، که منطقه‌ای حیاتی برای ایران محسوب می‌شد، سبب تشنج‌های جدیدی بین دو طرف شد (توکودیدس، ۱۳۷۷: ص ۷۶، بند ۱۱۰). هخامنشیان که در پی فرصتی برای ضربه زدن به یونانیها بودند، از رقابت بین آتن و اسپارت، که بار دیگر نمودی چشمگیر یافته بود، استفاده نمودند و اسپارت را بر ضد آتن تقویت مادی کردند. این کار سر آغازی شد برای جنگ‌هایی که بین این دو قدرت یونانی در گرفت و سی سال ادامه یافت. به دنبال این ماجرا و با افزایش نیروی آتن، سیمون روانه‌ی قبرس شد تا با ایرانیها مذاکره و پیمان صلحی منعقد کند، اما او بزودی در گذشت و آتن که از این جنگ‌ها خسته شده و گرفتار اسپارت بود، هیاتی را به ریاست کالیاس، یکی از مشاهیر آتن، به شوش فرستاد تا درباره‌ی صلح مذاکره کند (۴۴۸ پ.م). سرانجام، عهد نامه‌ای مشهور به «عهد نامه‌ی کالیاس» منعقد و مقرر شد که ایونی از تصرف ایران خارج شود، ولی قبرس همچنان تحت تابعیت هخامنشیان باقی ماند. همچنین یونانیها اجازه یافتند که در ایران با آزادی بیشتری رفت و آمد کنند (بریان ۱۳۷۸: ۱۲۱۶-۱۲۲۰). در زمان اردشیر، تمیستوکل، فرمانده‌ی معروف آتنی که در جنگ‌های زمان خشایارشا نقش موثری در شکست ایرانیها ایفا کرده بود، به علت اختلافات داخلی مورد خشم رقیبان قرار گرفت و به دربار ایران پناهنده شد. افسون تمیستوکل برای جنگ با یونان در اردشیر کارگر نیفتاد و دیگر جنگی بین دو طرف در نگرفت. از این زمان به بعد روابط جنگی تبدیل به مناسبات سیاسی و

فرهنگی شد، در حالی که دو طرف دشمنیهای گذشته را از یاد نبردند و هر یک در صدد ضربه زدن به دیگری بود.

پس از مرگ سیمون، پریکلس فرمانروای آتن شده و توانسته بود نیروی اقتصادی، بخصوص فرهنگی و تمدنی آتن را آن چنان بالا برد که این شهر در اوج قدرت و اعتلای فرهنگی خود قرار گیرد (زرین کوب ۱۳۶۴: ۱۷۴). چند سال پس از «عهد نامه‌ی کالیاس» و به دنبال برتری آتن در یونان، سرانجام جنگی بین آتن و اسپارت در منطقه پلوپونز در گرفت که به «جنگ‌های پلوپونزی» (پلوپونزوس) معروف شد و حدود سی سال ادامه یافت. آغاز این جنگ‌ها در حدود سال ۴۳۲ یا ۴۳۱ پ.م بود (تاریخ جنگ‌های پلوپونزی؛ ص ۷۹، بند ۱۱۸). به دنبال تحریکات سیاسی بین دو طرف، ایران طلای خود را به جانب یونان سرازیر کرد (تاریخ جهانی، پیش از تاریخ تا قرن شانزدهم؛ ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۸). بدین ترتیب که هر یک از طرفین که ضعیف می‌شد، ایران به آن طرف گرایش می‌یافت و کمک می‌کرد، تا این جنگ‌ها ادامه یابد و هخامنشیان بتوانند منافع خود را در منطقه، بی‌دغدغه و بدون جنگ و خونریزی حفظ کنند. طی سالیان بعد و پس از خاتمه‌ی جنگ‌های پلوپونزی نیز یونانیها سعی می‌کردند که خود را به متصرفات ایران در شبه جزیره‌ی آناتولی نزدیک نکنند تا گرفتار مصیبتی دیگر نشوند. در این زمان، نفوذ هخامنشیان در ارض موعود و سرزمین فلسطین بیش از پیش افزون شد، زیرا اردشیر به دنبال سیاست مسالمت آمیز اسلاف خویش، نسبت به یهودیان با مدارا و ملاطفت رفتار می‌کرد. عزرا و نحمیا، دو روحانی بزرگ یهودی در شوش بودند که نزد اردشیر قرب و منزلت داشتند. عزرا از جانب شاه به فلسطین فرستاده شد. این روحانی مهم یهودی با تجدید بنای معبد و دیوار اورشلیم در ۴۴۵ پ.م و وضع قوانین جدید به عنوان رئیس اورشلیم و یهودیه شناخته شد (گیرشمن ۱۳۸۳: ۱۸۸). نحمیا نیز از جانب اردشیر ماموریت یافت تا همراه کارگزاران ایرانی به فلسطین برود (کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب نحمیا، باب اول، ص ۷۴۷-۷۴۹).

به تخت نشستن داریوش بزرگ و اردشیر اول و نقش آنها در توسعه عمرانی تخت جمشید

در اواخر عمر اردشیر، شورش مگابیز ساتراپ سوریه به سرعت فرو نشست و با تمکین مگابیز، بار دیگر روابط نیکو بین طرفین برقرار گردید (زرین کوب ۱۳۶۴: ۱۷۶). دوره‌ی اردشیر اول دوره‌ی شکوفایی توام با عظمت و قدرت برای شاهنشاهی هخامنشی بوده است. با کمترین جنگ‌ها و در نتیجه کمترین تلفات انسانی و خسارت مالی، بیشترین منافع سیاسی نصیب ایران شد. رفت و آمد شخصیت‌ها از هر دو کشور، سبب رونق فرهنگی شد و شرق برتری خود را بر غرب حفظ کرد. سراسر شاهنشاهی در آرامش به سر می‌برد و شورشهایی به تعداد کم بزودی فرو می‌نشست. در منابع از اردشیر به نیکنامی، ملاطفت و جوانمردی یاد شده است (حیات مردان نامی؛ ج ۱، ص ۴۷۸). بعد از درگذشت اردشیر، جسدش از شوش به تخت جمشید منتقل شد و در آرامگاه نقش رستم، در کنار داریوش و خشایارشا مدفون شد (بویس ۱۳۷۵: ۲۹۶).

نقش اردشیر اول در توسعه عمرانی تخت جمشید

گل نبشته‌ها و الواح موید ادامه کارهای ساختمانی در تخت جمشید بین تابستان سال ۴۶۴ و سال ۴۵۹-۴۶۰ هستند، یعنی سالی که از گل نبشته‌های ایلامی خبری نیست؛ به همین سان گاه‌شناسی پذیرفته شده نشان می‌دهد که آخرین کتیبه‌های آرامی روی ظروف سنگی مربوط به سال ۴۳۱-۴۳۲ دانسته شده‌اند؛ کتیبه‌ای که بر روی یک ظرف نقره‌ای نوشته شده است نشان می‌دهد که کارگاه‌های سلطنتی در تخت جمشید فعال بوده‌اند. گل نبشته‌های موجود گواه بر آن هستند که فعالیت‌های ساختمانی گسترده‌ای در تخت جمشید وجود داشته، چون مثلا دیده می‌شود که در ۴۵۹-۴۶۰ تعداد ۱۱۴۹ صنعتگر در آن محل جیره دریافت کرده‌اند. اردشیر اول می‌گوید کارهای ساختمانی را که پدرش خشایارشا شروع کرده بوده، او به پایان رسانده است که این موضوع به کاوش محوطه‌ی تخت جمشید تایید می‌شود. اکنون می‌دانیم که کاخ H را او به اتمام رسانده است. از سوی دیگر، یک لوحه تاسیس در پی‌ساختمان در بابل نیز موید آن است که سازنده‌ی تالار صد ستون اردشیر یکم بوده است.

به طور قطع نمی‌دانیم که آیا اردشیر اول مسئول انتقال نقش برجسته‌های پلکان‌های شمالی و غربی آپادانا بوده است، گو این که این فرضیه به دلیل استنباطهای سیاسی که القا می‌کند جالب توجه می‌نماید: یعنی این فرض که شاه جدید خواسته باشد بدین طریق چهره برادر خود داریوش را که در کنار تخت پدرش خشایارشا ایستاده است حذف کند. اما آیا این‌ها به راستی چهره‌های خشایارشا و داریوش یکم هستند، یا شاهی انتزاعی و کلی در صفحه باریابی خزانه بر تخت نشسته است؟

با توجه به دامنه گسترده تردیدهایی که هنوز وجود دارند، طبعاً بی‌احتیاطی است که فرض کنیم که از زمان اردشیر یکم، تخت جمشید نقش مهم سیاسی سابق خود را از دست داده و به نوعی « کاخ ورسای ایالتی» تبدیل شده که بیشتر جنبه پرستشگاه و مکان مقدس را یافته است یا پایتخت. از کتیبه‌ای متعلق به داریوش دوم فقط در می‌یابیم که در شوش کار ساختمانی یک کاخ شروع شده بوده است؛ کتیبه‌ای از اردشیر دوم نشان می‌دهد که او زحمت بازسازی کاخ آپادانای داریوش در شوش را که در زمان او در اثر آتش سوزی تخریب شده بود را به خود نداده است. اردشیر اول علاوه بر کاخ اختصاصیش، بنای تالار تخت را نیز به اتمام رسانید (عبدی ۱۳۷۴: ۱۷۷). در سند پی‌بنای تالار تخت که توسط اردشیر اول نهاده شده، اشاره گردیده که در عهد خشایارشا نقشه اصلی تالار طراحی شده و حجاری‌های آن نیز بوسیله هنرمندان آن دور طراحی گشته و تراس آنها در زمان اردشیر اول صورت پذیرفته است (اشمیت ۱۳۴۲: ۴۱).

نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله در قالب به تخت نشستن داریوش بزرگ و اردشیر اول و نقش آنها در توسعه عمرانی تخت جمشید نتایج زیر را می‌توان برشمرد: اولاً؛ با طلوع دولت هخامنشی ایران در صحنه تاریخ جهانی نقش فعال و تعیین کننده‌ای یافت. همچنین، این دولت منشاء و مرکز یک تمدن و فرهنگ ممتاز آسیایی و جهانی دنیای باستان شناخته شد نماد بارز این فرهنگ مجموعه تخت

جمشید است که از ابعاد مختلف، هنری، معماری، ساختمان، طراحی و فرهنگ بسیار ارزنده و قابل احترام است که از زمان داریوش شروع شد و در دوره اردشیر اول رونق بیشتری یافت و در ادامه شاهان هخامنشی به تکامل رساندند، ثانيا؛ داریوش در فاصله سال های ۵۲۱ تا ۴۸۶ قبل از میلاد به هنر درباری هخامنشی شکلی ثابت بخشید و از آن حمایت کرد به گونه ای که جانشینان وی نیز قواعد این هنر را پذیرفتند و آن را دنبال کردند اوج این هنر داریوش در ساخت تخت جمشید و تلاش در جهت عمران و آبادانی آن نمودار شد، ثالثا؛ اردشیر اول نیز نقش بی بدیلی در توسعه عمرانی تخت جمشید داشته است از جمله اقدامات او به پایان رساندن سند پی بنای تالار تخت است که در عهد خشایارشا نقشه اصلی تالار طراحی شده و حجاری های آن نیز بوسیله هنرمندان آن دور طراحی گشته و تراس آنها در زمان اردشیر اول صورت پذیرفته است به عبارتی به گفته خود اردشیر ساختمانهایی که در دوران پدرش خشایار شروع شده بود او به اتمام رساند .

منابع

۱. اشمیت، اریش. ف، (۱۳۴۲) «تخت جمشید ۱- بناها، نقشها، نبشته ها»، ترجمه فریار، عبدالله و مصطفوی، سید محمد تقی، انتشارات امیر کبیر
۲. رضاییان، فرزین، (۱۳۸۳)، «شکوه تخت جمشید»، انتشارات طلوع ابتکارات تصویری.
۳. شارپ، رلف نارمن، (۱۳۴۳)، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، انتشارات دانشگاه شیراز
۴. هرودت، تاریخ هرودوت (جلد اول تا ششم)، ترجمه ی هدایتی، هادی، ۱۳۳۶-۱۳۴۱، انتشارات دانشگاه تهران
۵. هایدماری کخ (۱۳۹۶) از زبان داریوش ، ترجمه دکتر پرویز رجبی ،نشر کارنگ، ص ۹۲-۹۳
۶. بریان، پیر، ترجمه ی سمسار، مهدی، (۱۳۷۸)، تاریخ امپراطوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر، جلد های اول و دوم ، انتشارات زریاب
۷. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۴)، تاریخ مردم ایران، انتشارات امیر کبیر

۸. خدادادیان، اردشیر، (۱۳۷۶)، تاریخ ایران باستان، آریاییها و مادها، انتشارات اصالت نثیر
۹. توکودیدس (توسیدید)، (۱۳۷۷)، تاریخ جنگهای پلوپونزی، ترجمه‌ی لطفی، محمدحسین، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۰. جمال باشی، مریم، (۱۳۹۴) رویدادهای سیاسی و مذهبی دوره اردشیر دوم هخامنشی و تاثیر آن بر تحولات اجتماعی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ.
۱۱. شارل دو لاندلن، (۱۳۸۵) تاریخ جهانی، پیش از تاریخ تا قرن شانزدهم؛ ترجمه احمد بهمنش، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. گیرشمن، رومن، (۱۳۴۶)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه‌ی عیسی بهنام، چاپ اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۳. بویس، مری، (۱۳۷۸) تاریخ کیش زردشت، ترجمه‌ی صنعتی زاده، همایون، انتشارات توس

سایت ها

۱۴. مظفری، مسلم، (۱۳۹۴) مقاله ای کامل در مورد زندگینامه داریوش هخامنشی، تاریخ

مرجع، ۱۳۹۹/۰۱/۷: ادرس ساست:

۱۵. <http://moslem-mozafari.blogfa.com/post/۳۱>

۱۶. ۱ - فخاری، رامین، (۱۳۹۷) همه چیز درباره تخت جمشید میراث بزرگ تاریخ، تاریخ

مراجعة، ۱۳۹۹/۰۱/۱۷، ادرس سایت:

<https://tarikHEMA.org/ancient/iran/achaemenid>.۱۷

//۸۸۸۲

۱۸. امیر خراسانی، شمشاد، (۱۳۹۸) بنای تخت جمشید، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۹/۰۱/۲۰، ادرس

سایت: <https://parsiandej.ir/>